

A Conceptual Model of Factors Contributing to Adolescent Maladjustment in Blended Families Based on Grounded Theory

Maryam Moradian¹, Eghbal Zarei², Kourosh Mohammadi³

1. PhD Candidate in Counseling, Department of Counseling and Psychology, Faculty of Literature and Humanities, University of Hormozgan, Bandar Abbas, Iran. maryampsy counselor@gmail.com
2. (Corresponding Author), PhD Psychology, Associate Professor, Department of Counseling and Psychology, Faculty of Literature and Humanities, University of Hormozgan, Bandar Abbas, Iran. Eghbalzare2010@yahoo.com
3. PhD Psychology, Assistant Professor, Department of Counseling and Psychology, Faculty of Literature and Humanities, University of Hormozgan, Bandar Abbas, Iran. Mohammadi.km@gmail.com

ABSTRACT

The article is taken from a PhD thesis

Received: 17/06/2024 - Accepted: 25/08/2025

Aim: Families are configured in various forms, and blended families represent one type of family structure that can affect adolescents' psychological well-being. The present study aimed to develop a conceptual model of factors contributing to maladjustment among adolescent boys aged 13–18 years in blended families, based on the conditions and consequences framework of grounded theory. **Methods:** This qualitative study was conducted using a grounded theory approach in 1402 (Iranian calendar). The target population consisted of adolescent boys aged 13–18 years from blended families who were attending school in three educational districts, including Districts 1 and 2 of Shahrekord County and the education district of Gandoman City in Chaharmahal and Bakhtiari Province. Twelve male students aged 13–18 years were selected through purposive sampling. Data were collected using semi-structured interviews and analyzed according to the Strauss and Corbin coding method. **Findings:** Coding of the interview data resulted in the identification of 81 open codes, 24 axial codes, and 6 main categories related to factors contributing to maladjustment among adolescent boys in blended families. The findings indicated that *lack of secure attachment* emerged as the central category in the development of maladjustment among adolescents in blended families. This category was influenced by causal conditions (life ups and downs), contextual and background conditions (cultural conditions and background), and intervening conditions (characteristics of the stepfamily and the quality of interpersonal relationships). In response to the lack of secure attachment, adolescents employed coping strategies that included certain defense mechanisms (idealization, fantasy, retreating into smartphones/virtual space, and emotional disengagement), which ultimately led to consequences such as academic and psychological problems among adolescent boys in blended families. **Conclusion:** The findings suggest that adolescents' vulnerability to maladaptive behaviors in blended families is not solely attributable to the conditions of the blended family itself. Rather, stressful events arising from previous family circumstances and the developmental characteristics of adolescence, in combination with blended family conditions, contribute to adolescent maladjustment.

Keywords: Blended family; adolescent maladjustment



فصلنامه علمی پژوهشهای مشاوره
انجمن مشاوره ایران
جلد ۲۴، شماره ۹۶، زمستان ۱۴۰۴
مقاله پژوهشی

e-issn:4018-2717

p-issn:400-2717X

DOI: 10.18502/qjcr.v24i96.20839

الگوی مفهومی عوامل ناسازگاری نوجوانان در خانواده ترکیبی بر اساس نظریه داده بنیاد

مریم مرادیان^۱، اقبال زارعی^۲، کوروش محمدی^۳

۱. دانشجوی دکتری مشاوره، گروه مشاوره و روان شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران
maryampsycounselor@gmail.com.
۲. (نویسنده مسئول)، دکتری روان شناسی، دانشیار، گروه مشاوره و روان شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران.
Eghbalzareei2010@yahoo.com
۳. دکتری روان شناسی، استادیار، گروه مشاوره و روان شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران.
Mohammadi.km@gmail.com

(صفحات ۱۱۲-۱۴۹)

چکیده

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری می باشد.

هدف: خانواده ها به اشکال مختلفی پیکربندی می شوند. خانواده ی ترکیبی یکی از انواع ساختارهای خانوادگی است که بهزیستی روان شناختی نوجوانان را تحت تاثیر قرار می دهد. پژوهش حاضر با هدف ارائه ی الگوی مفهومی از عوامل ناسازگاری نوجوانان پسر ۱۳ تا ۱۸ سال در خانواده ی ترکیبی بر اساس شرایط و پیامدهای نظریه داده بنیاد انجام شد. **روش:** این پژوهش به روش کیفی و با استفاده از رویکرد داده بنیاد در سال ۱۴۰۲ انجام شد. جامعه هدف در این مطالعه، نوجوانان پسر ۱۳ تا ۱۸ ساله ی دارای خانواده ترکیبی و مشغول به تحصیل در سه منطقه ی آموزش و پرورش شامل منطقه ی آموزش و پرورش ناحیه یک و ناحیه دو شهرستان شهرکرد و منطقه ی آموزش و پرورش شهرگندمان در استان چهارمحال و بختیاری بودند. ۱۲ دانش آموز پسر ۱۳ تا ۱۸ سال به صورت هدفمند انتخاب شدند. ابزار پژوهش مصاحبه نیمه ساختاریافته بود. داده ها با استفاده از روش کدگذاری استراوس و کوربین تحلیل شدند. **یافته ها:** کدگذاری داده های مصاحبه ها به شناسایی ۸۱ کد باز، ۲۴ کد محوری و ۶ طبقه ی اصلی درباره عوامل ناسازگاری نوجوانان پسر در خانواده های ترکیبی منجر شد. نتایج نشان داد «فقدان دل بستگی ایمن»، به عنوان مقوله ی محوری در بروز ناسازگاری نوجوانان دارای خانواده ی ترکیبی نقش دارد. این مقوله تحت تاثیر عوامل علی (فراز و نشیب های زندگی)، عوامل بافتی و زمینه ای (شرایط فرهنگی و پیشینه) و عوامل مداخله گر (ویژگی های خانواده ناتنی و کیفیت روابط بین فردی) قرار دارد. همچنین راهبردهای بکارگرفته شده در مواجهه با فقدان دل بستگی ایمن، شامل برخی مکانیسم های دفاعی (آرامی سازی، خیال پردازی، پناه بردن به گوشه هوشمند/فضای مجازی، گسلس هیجانی) است که در نهایت منجر به بروز پیامدهایی همچون مشکلات تحصیلی و روان شناختی در نوجوانان پسر در خانواده ی ترکیبی می گردد. **نتیجه گیری:** آنچه نوجوانان را در خانواده های ترکیبی مستعد رفتارهای ناسازگارانه می کند صرفاً شرایط خانواده ترکیبی نیست بلکه وقایع استرس زای ناشی از شرایط خانواده ی قبلی و ویژگی های دوره ی نوجوانی در ترکیب با شرایط خانواده ترکیبی، موجب ناسازگاری نوجوانان می شود.

واژه های کلیدی: خانواده ی ترکیبی، ناسازگاری نوجوانان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۸ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۳

مقدمه

در ایران به طور معمول از هر سه ازدواج یک مورد به طلاق ختم می شود و در شهرهای بزرگی چون تهران این رقم دو به یک است (سازمان ثبت احوال کشور، ۱۴۰۳). در پی افزایش میزان طلاق، ازدواج مجدد نیز در ایران رشد چشمگیری پیدا کرده و در طی شش سال گذشته، رشد ۱۷ درصدی داشته است. اطلاعات منتشرشده توسط سازمان ثبت احوال کشور نشان می دهد در سال ۱۳۹۲، پنج درصد از کل ازدواج های ثبت شده، برای بار دوم یا سوم بوده اند که این رقم در سال ۱۳۹۸ به ۲۲ درصد افزایش یافته است (طباطبایی، ۱۴۰۰). با افزایش میزان طلاق، شکل گیری ساختارهای جدید خانوادگی همچون خانواده های تک والدی^۱، ناتنی^۲ و ترکیبی^۳ نیز افزایش می یابد (گانونگ و گلمن^۴، ۲۰۱۷). خانواده های ترکیبی زمانی شکل می گیرند که والد یا والدین بیولوژیک با فردی ازدواج کنند که برای فرزند آن ها، والد بیولوژیک محسوب نمی شود. این اصطلاح همچنین، گاهی اوقات برای اشاره به زیرمجموعه ای از خانواده های ناتنی به کار می رود که فرزندان ناتنی و فرزندان بیولوژیک در آن حضور دارند، یا جایی که هر یک از همسران از رابطه قبلی خود، فرزندی را به همراه می آورد؛ بنابراین همشیره های ناتنی (همشیره هایی که همبستگی بیولوژیکی ندارند اما والدین شان با یکدیگر ازدواج کرده اند) و همشیره های نیمه تنی^۵ (که در یک والد بیولوژیک مشترک هستند) در بافت خانواده های ترکیبی پدید می آیند (لین، واشینگتن-نورتی، هیل و همکاران^۶، ۲۰۱۹). عبارت «خانواده ی ترکیبی» مترادف با عبارت «خانواده ی ناتنی» به کار می رود (کومار^۷، ۲۰۱۷). تشکیل خانواده ی

1. single - parent families

2. stepfamilies

3. blended families

4. Ganong, & Coleman

5. half- siblings

6. Lin, Washington-Nortey, Hill, & et al

7. Kumar

ناتنی را می‌توان به عنوان یک عامل استرس‌زا تلقی کرد (کراسبی - برنت^۱، ۱۹۸۹). نظریه‌ی استرس خانواده^۲ که اولین بار توسط رثوبن هیل^۳ (۱۹۷۱، ۱۹۴۹)، مفهوم‌سازی شد در مورد زندگی خانواده‌های ناتنی توضیح می‌دهد که چگونه عامل استرس‌زایی مثل تشکیل خانواده‌ی ناتنی با منابع خانوادگی خاص و معنایی که توسط اعضای خانواده به خانواده‌ی ناتنی داده می‌شود در تعامل است تا احتمالاً به یک بحران خانوادگی تبدیل شود (زپا و نورم^۴، ۲۰۱۴).

دشواری‌ترین زمان برای سازگاری با ساختار خانواده‌ی ناتنی دوران نوجوانی است (ونودیا و سیاکاروفاز^۵، ۲۰۲۴). از لحاظ شناختی، نوجوانان در مقایسه با کودکان، در این باره که یک ساختار خانوادگی باید چگونه باشد، تصورات مشخص‌تری دارند و به همین خاطر با ساختارهای جدیدی مثل خانواده‌ی ترکیبی، به دشواری سازگار می‌شوند. تمایلات جنسی نوظهور در نوجوان مستلزم بازتعریف رفتارهایی همچون صمیمیت و محبت است و بنابراین ممکن است کمیت و کیفیت رابطه‌ی نوجوان با اعضای خانواده از جمله والد بیولوژیک، والد ناتنی و همشیرهای کاملاً ناتنی یا نیمه تنی تغییر کند؛ و از طرف دیگر نوجوانان خانواده‌های ناتنی به طور هم‌زمان درگیر بازتعریف رابطه خود با والد بیولوژیکی هستند که در حال حاضر با آن‌ها زندگی نمی‌کند (گاچنیا، کامونیو و چیروما^۶، ۲۰۲۱). در نتیجه، نوجوانان در خانواده‌های ترکیبی در معرض خطر بیشتری برای تجربه‌ی ناسازگاری در شاخص‌های بهزیستی روانی و رفتاری قرار دارند (گیبونس، دریسکول، بین و همکاران^۷، ۲۰۲۴).

ناسازگاری در ادبیات پژوهشی خانواده‌های ترکیبی اغلب به مشکلات هیجانی و

1. Crosbie-Burnett

2. family stress theory

3. Reuben Hill

4. Zeppa, & Norem

5. Wanudiya, & Syakarofath

6. Gachenia, Kamunyu, & Chiroma

7. Gibbons, Driscoll, Bean, & et al

رفتاری (ازجمله در پژوهش‌های آسن نیلسن، بریویک، ولد و همکاران^۱، ۲۰۱۸؛ فاوز، ویدمر، فراسکارولو و همکاران^۲، ۲۰۱۹؛ یانگ و جیانگ^۳، ۲۰۲۳)، نتایج تحصیلی ضعیف (ازجمله در پژوهش گانونگ و گلמן، ۲۰۱۷؛ کینگ، پرگ و لیندستروم^۴، ۲۰۲۰)، توانایی اجتماعی ضعیف (ازجمله در پژوهش‌های لیندر، هاگان و براون^۵، ۱۹۹۲)، مشکلات ارتباطی درون خانواده (ازجمله در پژوهش جنسن و لیپولد^۶، ۲۰۱۸)، مصرف مواد مخدر و الکل (ازجمله در پژوهش کینگ، بوید و پرگ^۷، ۲۰۱۸) و ترک زودهنگام خانه (ازجمله در پژوهش ون دن برگ، کالمیجن و لئوپولد^۸، ۲۰۲۱)، اشاره دارد. همچنین لاو و موردوک^۹ (۲۰۰۴)، در پژوهشی با هدف بررسی رابطه بین دلبستگی به والدین و بهزیستی روان‌شناختی فرزندان در خانواده‌های هسته‌ای و ناتنی دریافتند ضمن اینکه کیفیت دلبستگی، به طور معناداری کیفیت سلامت روان را پیش‌بینی می‌کند، فرزندان خانواده‌های ناتنی در مقایسه با فرزندان خانواده‌های هسته‌ای دلبستگی امن کمتری دارند. فنگ و زارتلر^{۱۰} (۲۰۲۴)، نیز در پژوهشی با هدف بررسی تجربه‌ی نوجوانان از ابهام در خانواده‌های ناتنی حاصل از طلاق، به این نتیجه رسیدند که شیوه‌های ارتباطی بین اعضای خانواده ناتنی و عدم آگاهی در مورد ساختار خانواده‌ی ناتنی، دو عامل اصلی در بروز ابهام در نوجوانان است.

در مورد اینکه کدام عوامل ممکن است بر سازگاری یا عدم سازگاری نوجوانان با خانواده‌های ترکیبی، تأثیرگذار باشد اختلاف نظر وجود دارد؛ اما در مورد رابطه‌ی بین

1. Aasen Nilsen, Breivik, Wold, & et al
2. Favez, Widmer, Frascarolo, & et al
3. Yang, & Jiang
4. King, Pragg, & Lindstrom
5. Linder, Hagan, & Brown
6. Jensen, & Lippold
7. King, Boyd, & Pragg
8. Van Den Berg, Kalmijn, & Leopold
9. Love, & Murdock
10. Fang, & Zartler

عوامل فردی (مثل جنسیت و سن) و خانوادگی (مثل تعارض خانوادگی، ساختار خانواده، سبک فرزندپروری، استرس والدینی)، با میزان سازگاری فرزندان خانواده‌های ترکیبی مطالعاتی صورت گرفته است (گانونگ و گلמן، ۲۰۱۷). پژوهش‌های مرتبط با سازگاری یا عدم سازگاری نوجوانان در خانواده‌های ناتنی در جامعه ایران نیز نشان‌دهنده وجود دشواری در سازگاری این قبیل نوجوانان است. یوسفی، کرایبی و سودانی (۱۴۰۱)، در مطالعه‌ای کیفی سازگاری نوجوانان با ازدواج مجدد مادران را بررسی کردند. نتایج نشان داد دلایل عدم سازگاری نوجوانان با ازدواج مجدد مادر در طیف گسترده‌ای از عوامل فردی، روانی و اجتماعی قرار می‌گیرد. حیدری سودجانی و غلامزاده جفهر (۱۴۰۲)، در پژوهشی کیفی با عنوان رویکرد پدیدارشناسانه‌ی چالش‌های نوجوانان از ازدواج مجدد والدینشان، به این نتیجه رسیدند که انتقال خانوادگی و ازدواج مجدد در مرحله‌ی نوجوانی ممکن است پیامدهای خطرناکی را برای فرزندان به همراه داشته باشد. با وجود افزایش نرخ ازدواج مجدد در ایران و افزایش تعداد خانواده‌های ترکیبی پژوهش‌هایی که تا کنون در ایران به مطالعه سازگاری یا عدم سازگاری نوجوانان با خانواده‌های ترکیبی پرداخته است اندک هستند. بنابراین ارائه‌ی الگوی مفهومی مبتنی بر عوامل ناسازگاری نوجوانان در خانواده‌های ترکیبی، امری ضروری است تا با توجه به این الگو، اطلاعات متخصصان حوزه سلامت در مورد ویژگی‌های خانواده‌های ترکیبی و چالش‌هایی که اعضای این ساختار با آن مواجه می‌شوند، افزایش یابد و بتوانند به پیشگیری و درمان مشکلات اعضا کمک کنند. لوتز، جاکوبس و ماسون^۱ (۱۹۸۱)، می‌گویند؛ خانواده‌های ناتنی که به دنبال دریافت کمک برآمده‌اند، گزارش داده‌اند که حتی مشاوران و درمانگران نسبت به ساختار و عملکرد خانواده‌ی ناتنی شناختی ندارند. هم‌والدین ناتنی و هم‌والدینی که حضانت فرزندشان را به عهده ندارند، رفتار ضعیف کارکنان مدرسه را گزارش کرده‌اند. همچنین با توجه به نقص دانش بافتی موجود درباره

1. Lutz, Jacobs, & Masson

مؤلفه‌هایی که در ناسازگاری نوجوانان پسر ۱۳ تا ۱۸ ساله دارای خانواده‌های ترکیبی در استان چهارمحال و بختیاری نقش دارند، پژوهش حاضر با استفاده از رویکرد داده بنیاد انجام گرفت تا به این سوالات پاسخ دهد که چه عواملی در ناسازگاری نوجوانان پسر ۱۳ تا ۱۸ ساله دارای خانواده ترکیبی تاثیر دارند؟ و آیا می‌توان داده‌های حاصل از مرحله‌ی کیفی ناسازگاری نوجوانان پسر ۱۳ تا ۱۸ ساله‌ی دارای خانواده‌ی ترکیبی را در قالب یک مدل مفهومی، تبیین کرد؟

روش

این پژوهش، مطالعه‌ای کیفی بود. رویکرد به کار رفته در این پژوهش کیفی، رویکرد داده بنیاد بود. محققان زمانی از نظریه‌ی داده بنیاد استفاده می‌کنند که برای کشف درک عمیق‌تری از فرایندهای اجتماعی، نظریه‌ی کافی وجود ندارد (ویلیامز^۱، ۲۰۲۳). جامعه‌ی هدف در این مطالعه، نوجوانان پسر ۱۳ تا ۱۸ ساله‌ی دارای خانواده ترکیبی و مشغول به تحصیل در سه منطقه‌ی آموزش و پرورش شامل منطقه‌ی آموزش و پرورش ناحیه یک و دو شهرکرد و منطقه‌ی آموزش و پرورش شهر گندمان در استان چهارمحال و بختیاری بودند. از آنجایی که در روش داده بنیاد بهترین شیوه نمونه‌گیری، نمونه‌گیری هدفمند است، بنابراین مشارکت‌کنندگان در این پژوهش به صورت هدفمند و با در نظر گرفتن ملاک‌های ورود، از بین دانش‌آموزان پسر سه منطقه‌ی آموزش و پرورش استان چهارمحال و بختیاری انتخاب شدند. شرایط حضور در این پژوهش، این موارد را شامل می‌شد: شرکت‌کنندگان بین گروه سنی ۱۳ تا ۱۸ سال باشند. حداقل یکی از والدین مجدداً ازدواج کرده باشد. ازدواج مجدد والد یا والدین بواسطه‌ی طلاق باشد و نوجوان حداقل ۳ ماه تجربه‌ی زندگی در خانواده‌ی ترکیبی را داشته باشد. ملاک‌های خروج از پژوهش نیز شامل این موارد بود: عدم تمایل شرکت‌کننده به پاسخ‌دهی به سوالات کلیدی پژوهشگر، عدم حضور شرکت‌کننده در روز تعیین شده برای انجام مصاحبه و عدم همکاری

شرکت کننده در روند اجرای تحقیق. روش کار به این صورت بود که پس از دریافت مجوزهای لازم به تعدادی از مدارس پسرانه‌ی متوسطه اول و دوم دارای جمعیت دانش‌آموزی بالاتر در هر منطقه‌ی آموزشی فوق مراجعه شد. با توجه به اینکه مدیر، معاون آموزشی، مربی پرورشی و مشاور در محیط مدرسه بیشترین شناخت را از شرایط خانوادگی و روان‌شناختی دانش‌آموزان دارند، به منظور دسترسی بهتر به شرکت‌کنندگان، به این عوامل اجرایی در مدرسه مراجعه کردیم و بواسطه پرس و جو از این افراد و همچنین مطالعه پرونده دانش‌آموزان، اسامی دانش‌آموزان واجد شرایط یادداشت شد. در تعدادی از مدارس با راهنمایی عوامل اجرایی مدرسه از برخی معلمان که نسبت به دانش‌آموزان شناخت بیشتری داشتند نیز کمک گرفته شد. بعد از شناسایی دانش‌آموزان واجد شرایط، با هریک از آن‌ها به طور جداگانه جلسه‌ای مقدماتی برگزار و در طی جلسه اهداف و ضرورت پژوهش و همچنین سوالات کلی توضیح داده شد. در صورتی که افراد مایل به همکاری بودند زمان مناسبی که مورد توافق پژوهشگر، دانش‌آموز و کادر مدرسه بود برای انجام مصاحبه در نظر گرفته می‌شد و جلسات مصاحبه در زمان مورد توافق صورت می‌گرفت.

ابزار پژوهش

برای جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. سوالات بر اساس مطالعه پیشینه پژوهش و چند مصاحبه آزمایشی، تنظیم و بعد از بررسی و تأیید توسط همه پژوهشگران همکار در این پژوهش، فرایند مصاحبه آغاز شد. مصاحبه با طرح یک سوال کلی در مورد اعضای خانواده فعلی شرکت‌کننده آغاز می‌شد و سپس با سوالات پیگیرانه ادامه می‌یافت. پرسش‌های اصلی مصاحبه عبارت بودند از: آیا زمان جدایی والدین تان را به خاطر دارید؟ رابطه والدین تان قبل از جدایی چگونه بود؟ وقتی متوجه شدید که والدین تان قصد جدایی دارند، چه واکنشی نشان دادید؟ وقتی والد/والدین تان مجدداً ازدواج کردند، چه واکنشی نشان دادید؟ نظر تان در مورد

خانواده‌ای که در حال حاضر در آن زندگی می‌کنید چیست؟ رابطه‌تان با هریک از اعضای خانواده‌ای که در حال حاضر در آن زندگی می‌کنید چگونه است؟ رابطه‌تان با پدر/ مادران که اکنون جدا از شما زندگی می‌کند چگونه است؟

به منظور رعایت اصول اخلاقی و ایجاد رابطه حسنه با شرکت‌کننده، هدف از مصاحبه و پژوهش توضیح داده می‌شد، بر اصول رازداری تأکید و جهت ضبط گفتگو با ضبط صوت، از هر شرکت‌کننده اجازه گرفته می‌شد. به شرکت‌کنندگان تأکید شد، هر زمان که قصد ترک جلسه مصاحبه را داشتند، می‌توانند از جلسه خارج شوند و هر سوالی را که مایل نبودند می‌توانند پاسخ ندهند. نمونه‌گیری تا اشباع نظری داده‌ها (نفر دهم) ادامه یافت. اما جهت اطمینان از رسیدن به نقطه اشباع نظری، دو مصاحبه دیگر انجام شد. در نهایت ۱۲ شرکت‌کننده پسر در این پژوهش شرکت کردند. مصاحبه‌ها به صورت فردی و در فاصله زمانی اوایل مهرماه تا اواخر اسفندماه ۱۴۰۲، در محل مدارس پسرانه سه منطقه آموزش و پرورش استان چهارمحال و بختیاری انجام شد. مدت زمان مصاحبه‌ها بین ۴۵ تا ۱۲۰ دقیقه بود.

شیوه تجزیه و تحلیل اطلاعات

تجزیه و تحلیل اطلاعات طبق رویکرد کوربین و استراوس^۱ (۲۰۱۵)، شامل سه مرحله کدگذاری بود که با یکدیگر همپوشانی دارند: کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی. کدگذاری باز، پس از بررسی اولین متن مصاحبه شروع شد. تجزیه و تحلیل خط به خط انجام شد و کدهای اولیه به هر خط از داده‌ها اختصاص داده شد. مطالب متنی به طور مداوم با هم مقایسه و خلاصه و نظرات شرکت‌کنندگان در مفاهیم کلی انتزاع شد. با نوشتن یادداشت که یک مرحله میانی بین کدگذاری و ساخت نظریه است؛ مشاهدات، واکنش‌ها و بینش‌های محقق هنگام کدگذاری داده‌ها ثبت شد. نوشتن یادداشت‌ها انعکاس‌پذیری محقق را تسهیل می‌کرد و به وی اجازه می‌داد تا

1. Corbin & Strauss

درحین پرسیدن سؤالات نظری در مورد داده‌ها، در مورد سوگیری‌های خود آگاهی پیدا کند. استراتژی اصلی کدگذاری محوری؛ بررسی علل، شرایط و پیامدهای فرآیندهای اجتماعی مهم بود. با استفاده از ماتریس رابطه شرطی، کدهای متمرکز برای (الف) علل یا انگیزه‌ها (ب) شرایط زمینه‌ای (ج) شرایط مداخله‌گر (د) پیامدها، تحلیل شد. همچنین ادبیات تحقیق در مورد موضوع مجدداً توسط پژوهشگر بررسی شد تا خود را نسبت به موضوع اهمیت نظری در داده‌ها حساس کند. در پایان کدگذاری محوری، چهار دسته ظاهر شد که تمام داده‌ها را به خود اختصاص دادند. مقوله‌های نوظهور در متن مصاحبه‌ها نشان‌دهنده «فقدان دل‌بستگی ایمن» بود که ناسازگاری نوجوانان در خانواده ترکیبی را موجب می‌شد. در مرحله‌ی تجزیه و تحلیل داده‌های نهایی، شرایط و پیامدهای مقوله‌های ظاهرشده تحلیل شد و از کدهای انتخابی برای تبدیل کدگذاری (بازو محوری) به نظریه‌ی تفسیری منسجم استفاده شد. کدگذاری انتخابی منجر به کشف مقوله‌ی اصلی شد. مقوله‌ی اصلی «فقدان دل‌بستگی ایمن» را نشان داد. به منظور اطمینان از معتبر بودن یافته‌های نهایی از روش بررسی اعضا و اعتبارسنجی پاسخگو استفاده شد. به این صورت که محقق در طول فرآیند جمع‌آوری داده‌ها صحت درک خود را به طور غیررسمی از طریق شرکت‌کنندگان تأیید می‌کرد. پژوهشگر با تکرار، بازنویسی، جستجوی توضیح بیشتر در مورد نظرات مبهم پاسخگو به مصاحبه‌شوندگان فرصتی برای تأیید یا تصحیح تفسیر مصاحبه‌کننده از کلمات‌شان را می‌داد. همچنین نسبت به لحن و تأکید در گفتار پاسخ‌دهندگان و گفته‌های خود هوشیار بود. یکی دیگر از شیوه‌های بررسی اعضا به اشتراک گذاشتن گزارش و ایجاد فرصتی برای بازخورد شرکت‌کنندگان در پایان فرایند مصاحبه بود. این شیوه را مهم‌ترین شیوه برای ایجاد اعتمادپذیری می‌دانند (عظیمی، قمری‌گیوی، رضایی شریف و همکاران، ۱۴۰۲). از روش توافق کدگذاری نیز به منظور سنجش پایایی استفاده شد. چند مصاحبه به صورت تصادفی انتخاب و توسط دو پژوهشگر دیگر به طور مستقل کدگذاری شد، کدهای

همگن و ناهمگن مشخص شدند و داده‌های این پژوهش حاصل اجماع نظرات پژوهشگران است.

یافته‌ها

همه‌ی شرکت‌کنندگان در این پژوهش، دانش‌آموزان مشغول به تحصیل در پایه‌های هفتم تا یازدهم مدارس پسرانه سه منطقه‌ی آموزش و پرورش استان چهارمحال و بختیاری بودند. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان در مصاحبه جهت طراحی الگو در جدول ۱، نمایش داده شده است.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان

شماره شرکت‌کننده	سن	پایه تحصیلی	شرکت‌کننده تجربه زندگی با..... دارد.	سن شرکت‌کننده هنگام طلاق والدین	سن شرکت‌کننده هنگام ازدواج مجدد والد/والدین	مدت زمان حضور شرکت‌کننده در خانواده ترکیبی
۱	۱۳ سال	هفتم	مادر بیولوژیک - پدر ناتنی	۹ سال	۱۱ سال	۲ سال
۲	۱۳ سال	هفتم	پدر بیولوژیک - مادر ناتنی	۶ سال	۹ سال	۴ سال
۳	۱۵ سال	نهم	پدر بیولوژیک - مادر ناتنی و مادر بیولوژیک - پدر ناتنی	۱۱ سال	۱۴ سال	۱ سال
۴	۱۵ سال	نهم	پدر بیولوژیک - مادر ناتنی	۸ سال	۱۱ سال	۴ سال
۵	۱۵ سال	نهم	مادر بیولوژیک - پدر ناتنی	۱۱ سال	۱۲ سال	۲ سال

شماره شرکت کننده	سن	پایه تحصیلی	شرکت کننده تجربه زندگی با..... دارد.	سن شرکت کننده هنگام طلاق والدین	سن شرکت کننده هنگام ازدواج مجدد والد/والدین	مدت زمان حضور شرکت کننده در خانواده ترکیبی
۶	۱۵ سال	نهم	مادر بیولوژیک - پدر ناتنی	نوزاد	۷ سال	۸ سال
۷	۱۵ سال	نهم	مادر بیولوژیک - پدر ناتنی	۵ سال	۹ سال	۱ سال
۸	۱۶ سال	هشتم	پدر بیولوژیک - مادر ناتنی	۹ سال	۱۰ سال	۴ سال
۹	۱۶ سال	دهم	پدر بیولوژیک - مادر ناتنی و مادر بیولوژیک - پدر ناتنی	۱۲ سال	۱۲ سال	۲ سال
۱۰	۱۷ سال	نهم	پدر بیولوژیک - مادر ناتنی	۹ سال	۱۲ سال	۴ سال
۱۱	۱۷ سال	یازدهم	پدر بیولوژیک - مادر ناتنی	۳ سال	۶ سال	۱۰ سال
۱۲	۱۷ سال	یازدهم	مادر بیولوژیک - پدر ناتنی	نوزاد	۹ سال	۴ ماه

نتایج حاصل از کدگذاری داده‌های مصاحبه‌ها به شناسایی ۸۱ کد باز، ۲۴ کد محوری، ۶ طبقه اصلی و یک مقوله محوری درباره‌ی عوامل ناسازگاری نوجوانان پسر در خانواده‌های ترکیبی منجر شد.

مقوله محوری: فقدان دل‌بستگی ایمن به عنوان مقوله محوری شناسایی شد. طی مقایسه‌هایی که بین هریک از مصاحبه‌ها و تحلیل‌هایی که برای هر مصاحبه به طور مجزا انجام شده بود، عاملی که توسط پژوهشگر در همه مصاحبه‌ها مشاهده شد که از طریق آن همه مقوله‌ها به هم مرتبط می‌شد و حضورش را می‌شد در تمام رفتارهای ناسازگارانه نوجوانان خانواده‌های ترکیبی پیدا کرد فقدان دل‌بستگی ایمن بود.

عوامل علی: یا سبب ساز این پژوهش، عواملی هستند که بر بروز ناسازگاری در نوجوانان دارای خانواده‌ی ترکیبی اثر می‌گذارند. در این پژوهش، این عوامل؛ دوره زندگی و بحران‌های زندگی را شامل می‌شد که کدهای مرتبط با آن در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. عوامل علی

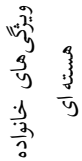
طبقه اصلی	کدهای محوری	کدهای باز
فرز و نشیب‌های زندگی	دوره‌ی زندگی	ویژگی‌های خاص دوره‌ی نوجوانی
	بحران‌های زندگی	طلاق والدین، بی‌ثباتی شرایط زندگی بعد از طلاق والدین، محرومیت نوجوان از زندگی با هر دو والد بیولوژیک، ازدواج مجدد والد/ والدین، بی‌ثباتی شرایط زندگی بعد از ازدواج مجدد والد/ والدین

دوره‌ی زندگی: ویژگی‌های خاص دوره‌ی نوجوانی در ترکیب با ویژگی‌های خاص ساختار خانواده‌ی ترکیبی منجر به بروز ناسازگاری در نوجوانان دارای خانواده‌ی ترکیبی می‌شود (شرکت‌کننده شماره ۴: بچه‌تر که بودم مشکلی نداشتم ولی دوازده سیزده سالم که شد سر این که برا بیرون رفتن باید ازشون اجازه می‌گرفتم باهاشون مشکل پیدا کردم. می‌خواستم محدودم کنن.... کلاس ششم به بعد مشکلاتمون شروع شد من می‌خواستم برم کلاس‌هایی که دوست داشتم، اونا نمی‌داشتن دیگه سر این با بابام و زنش بحثم شد).

بحران‌های زندگی: بحران‌هایی که شرکت‌کنندگان در طول زندگی تجربه کرده بودند؛ طلاق والدین، بی‌ثباتی شرایط زندگی بعد از طلاق والدین، محرومیت نوجوان از زندگی با هر دو والد بیولوژیک، ازدواج مجدد والد/ والدین و بی‌ثباتی شرایط زندگی بعد از ازدواج مجدد والد/ والدین بود (شرکت‌کننده شماره ۳: بعد از اینکه طلاق گرفتن من یه مدت پیش مامانم بودم بعد اومدم خونه مامان بزرگم پیش بابام. کلاً چند سال سرگردون بودم تا بابام ازدواج کرد. الان هر چند هفته یکبار می‌رم خونه مامانم. بعضی هفته‌ها بابام نمی‌ذاره برم پیش مامانم).

عوامل بافتی و زمینه‌ای: با توجه به عوامل بافتی و زمینه‌ای، نوجوانان در مواجهه با فقدان دلبستگی ایمن به صورت متفاوتی واکنش نشان می‌دهند. کدهای مرتبط با این عوامل در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. عوامل بافتی و زمینه‌ای

طبقه اصلی	کدهای محوری	کدهای باز
عوامل بافتی و زمینه‌ای تاریخچه فرهنگی و پیشینه		اعتماد پدر به مواد مخدر/ مواد صنعتی، روابط فرزندناشویی
		والد، عدم مسئولیت پذیری والد/ والدین در قبال زندگی
		مشترک و فرزند، خشونت فیزیکی پدر علیه مادر/ فرزند، جر و
		بحث دائم بین والدین، اختلافات زناشویی بین والدین، مشکلات روان‌شناختی پدر، جرائم قانونی پدر
	عوامل فرهنگی	ازدواج نامناسب
		والدین بیولوژیک و بدون علاقه والد
عوامل فرهنگی	عوامل فرهنگی	ازدواج مجدد
		نامناسب والد/ مادر به خاطر رهایی از شرایط دشوار بعد از طلاق، ازدواج مجدد مادر به امید بهبودی شرایط زندگی فرزند، اختلاف سنی زیاد/ تفاوت سنی معکوس در ازدواج مجدد
		گسست فرهنگی بین نسل‌ها
انتقال بین نسلی	انتقال بین نسلی	انتقال بین نسلی طلاق و ازدواج مجدد

ویژگی‌های خانواده هسته‌ای: در طول مصاحبه شرکت‌کنندگان خانواده هسته‌ای‌شان را به داشتن ویژگی‌هایی از جمله: اعتماد پدر به مواد مخدر/ مواد صنعتی، روابط فرزندناشویی والد، عدم مسئولیت‌پذیری والد/ والدین در قبال زندگی مشترک و فرزند، خشونت فیزیکی پدر علیه مادر/ فرزند، جر و بحث دائم بین والدین، اختلافات زناشویی بین والدین، مشکلات روان‌شناختی پدر و جرائم قانونی پدر توصیف کردند (شرکت‌کننده شماره ۹: بابام معتاد بود و مامانم هم کلاً اهمیتی به زندگیش نمی‌داد می‌رفت بیرون با پسر. می‌گفت من دوست ندارم بذارم برا بچم و شوهرم. دائم

بحث و دعوا بود بینشون).

ازدواج نامناسب والدین: ازدواج زودهنگام و در سن پایین و همچنین ازدواج اجباری و بدون علاقه والد/ والدین از جمله مواردی بودند که برخی شرکت کنندگان به آن اشاره کردند (شرکت کننده شماره ۹: فامیل دور بودن که بعد همدیگر رو می بینن و از روی فکر بچگیشون با هم ازدواج می کنن، مادرم فکر کنم ۱۷ یا سالش ۱۸ بوده. پدرم تقریباً همون ۱۹ یا ۲۰، کلاً انگار مامانم بعداً پشیمون می شه).

ازدواج مجدد نامناسب والد/ والدین: برخی شرکت کنندگان در مورد ازدواج مجدد والد یا والدین شان به این موارد اشاره کردند: ازدواج مجدد به خاطر انتقام از همسر قبلی، اختلاف سنی زیاد/ تفاوت سنی معکوس در ازدواج مجدد، ازدواج مجدد مادر به خاطر رهایی از شرایط دشوار بعد از طلاق و ازدواج مجدد مادر به امید بهبودی شرایط زندگی فرزند (شرکت کننده شماره ۹: بابام هم برای تلافی دو روز بعد از طلاق رفت یه زن دیگه گرفت. برا اینکه مثلاً تلافی کنه یا حرص مامانمو درآره، ازدواج کرد).

عوامل فرهنگی: فرزندان در مقایسه با والدین و یا اجداد خود، نگاه بسیار متفاوتی به زندگی دارند و همین گسست عمیق باعث می شود که هر نسل احساس درک نشدن از سوی نسل مقابل را تجربه کند (شرکت کننده شماره ۹: من می دونم همه اونایی که فرزند طلاقن و کسایی که مجبورن با پدر بزرگ و مادر بزرگ زندگی کنن اینا می دونم که فکر اشون به شدت قدیمیه شاید فکر پدر و مادرم به درد امروز می خوره ولی فکر پدر و مادر اونا به درد امروز نمی خوره و واقعاً اینا می دونم که همه بچه های طلاق این دغدغه رو دارن که چرا من پدر و مادر خودم بالا سر خودم نیستن که با فکرای قدیمی پدر بزرگ و مادر بزرگ مجبورم زندگی کنم فکرای قدیمی که دارن خیلی برام سخته).

انتقال بین نسلی: تجارب منفی موجود در خانواده اصلی ممکن است به شیوه های مختلف بر زندگی نسل های بعد تاثیر بگذارد (شرکت کننده شماره ۳: پدر بزرگ و مادر بزرگ پدریم هم از هم طلاق گرفتن. مادر بزرگ بعد از طلاقش خودکشی می کنه. بابا بزرگ هم مثل بابام زن دوم گرفته بود. وقتی بابام میاد خواستگاری مامانم، بابای

مامانم به همین خاطر قبول نمی کرده که مامانمو بده به بابام و اصلاً راضی نبوده. ولی مامانم بابابزرگما راضی می کنه).

عوامل مداخله گر: با تاثیر بر عوامل علی و راهبردهای مقابله ای، به طور غیر مستقیم بر ناسازگاری روان شناختی تاثیر می گذارند. کدهای مرتبط با این عوامل در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. عوامل مداخله گر

طبقات اصلی	کدهای محوری	کدهای باز
تعارض بین والد بیولوژیک و والد ناتنی	مسائل مرزی	عضو دو خانواده بودن، ترس والد ناتنی از دخالت والد فاقد حق سرپرستی در خانواده ناتنی
	ساختار خانواده ی ناتنی	فقدان حریم/ فضای خصوصی، تفاوت سبک زندگی، تعارض بین چرخه های زندگی در خانواده ترکیبی
	پویایی های خانواده ی ناتنی	تولد همشیر نیمه تنی، تغییر محل زندگی
عوامل مداخله گر	تعارض بین والد بیولوژیک دارای حق سرپرستی - والد ناتنی	خشونت فیزیکی پدر ناتنی علیه مادر، استمرار الگوی تعارض/ طلاق والد بیولوژیک در ارتباط با همسر جدید، درگیری های قانونی والد بیولوژیک و والد ناتنی بر سر مهریه
	تعارض بین والد - فرزند ناتنی	نسبت دادن مشکلات خانواده توسط والد ناتنی به حضور فرزند ناتنی، اجرای قوانین انضباطی از سوی والد ناتنی، عدم رازداری در رابطه، خشونت فیزیکی/ کلامی پدر/ مادر ناتنی، علیه فرزند ناتنی، منت گذاشتن مادر/ پدر ناتنی، مثلث سازی والد ناتنی با والد بیولوژیک علیه فرزندان ناتنی
	تعارض بین والدین بیولوژیک بعد از طلاق	درگیری های قانونی والدین بر سر حضانت فرزندان/ مهریه، ممانعت والد دارای حق سرپرستی از دیدار نوجوان با والد غایب
	تعارض بین والدین همجنس	بدگویی مادر ناتنی از مادر بیولوژیک، درگیری کلامی بین مادر بیولوژیک و مادر ناتنی

طبقات اصلی	کدهای محوری	کدهای باز
	تعارضات مربوط به وفاداری	احساس گناه از ارتباط با مادر/ پدر ناتنی به علت وفاداری به مادر/ پدر بیولوژیک
	فقدان شبکه خویشاوندی حمایتگر	عدم حمایت عاطفی خویشاوندان بیولوژیک از نوجوان، طرد شدن از سوی خویشاوندان ناتنی، فقدان رابطه اجتماعی بین خانواده ناتنی و خویشاوندان ناتنی/ بیولوژیک
	تعارض بین والد - فرزند بیولوژیک	نسبت دادن مشکلات خانواده‌ی ناتنی توسط پدر بیولوژیک به حضور فرزندان، فقدان ارتباط اجتماعی بین نوجوان و والد بیولوژیک فاقد حق سرپرستی، عدم حمایت عاطفی نوجوان از سوی والد بیولوژیک دارای حق سرپرستی/ فاقد حق سرپرستی، خشونت فیزیکی والد دارای حق سرپرستی علیه فرزند
	حضور همشیره‌های ناتنی و نیمه تنی	جانبداری/ توجه بیشتر مادر ناتنی به همشیر نیمه‌تنی، حسادت به همشیر نیمه‌تنی، مخالفت همشیره‌های ناتنی با ازدواج مجدد پدرشان

مسائل مرزی: رفت و آمد بین دو یا چند خانواده، گاهی می‌تواند موجب سردرگمی و احساس بی‌ثباتی در فرزندان و آسیب به مرزهای خانواده ناتنی شود (شرکت‌کننده شماره ۱۱: اینکه به مدت پیش بابات باشی به مدت پیش مامانت خیلی سخته. هر دو شون خیلی آدمو سین جیم می‌کردن. اینجا در مورد اونجا اونجا در مورد اینجا، که اونجا چه اتفاقاتی افتاد و نمی‌دونم رابطه چجوریه و اذیتت می‌کنه یا نه).

ساختار خانواده ناتنی: خانواده‌ی ناتنی ساختاری متفاوت از خانواده‌ی هسته‌ای دارد. یکی از مواردی که ممکن است در ساختار خانواده ناتنی به اندازه کافی رعایت نشود، حفظ حریم خصوصی اعضا است. حفظ حریم خصوصی در خانواده به اعضا احساس ارزش و امنیت می‌دهد و نقض آن موجب می‌شود آن‌ها احساس ناامنی کنند (شرکت‌کننده شماره ۱۱: پنجشنبه جمعه‌ها که از پیش مامانم برمی‌گشتم خونه بابام، زن

بابام می‌رفت تو جیبام و وسایلمو می‌گشت ببینه از خونه مامانم چیا با خودم آوردم. به من که نمی‌گفت ولی خودم متوجه می‌شدم... دختر بزرگش تو کارام فضولی می‌کرد. می‌رفت سر وسایلم).

پویایی‌های خانواده ناتنی: بروز تغییرات در خانواده‌ی ناتنی ممکن است برای برخی اعضا، قابل پذیرش نباشد و سازگاری با آن را دشوار کند (شرکت کننده شماره ۹: زن بابام که باردار شد حسادت کردم می‌ترسیدم پسر باشه و جای منو بگیره).

تعارض بین والد بیولوژیک دارای حق سرپرستی - والد ناتنی: فرزندان ناتنی ممکن است از تعارضات بین والد بیولوژیکی که عهده‌دار سرپرستی شان شده است و والد ناتنی به شدت آشفته شوند (شرکت کننده شماره ۶: وقتی مامانم اومد از من دفاع کنه، شوهرش اونم زد).

تعارض بین والدین بیولوژیک: موضوع مهریه و حضانت می‌تواند عاملی برای ایجاد درگیری بین والدین بعد از جدایی باشد (شرکت کننده شماره ۱۱: مامان و بابام سر مهریه مامانم خیلی بحث داشتن. خیلی می‌رفتن دادگاه).

تعارض بین والد - فرزند ناتنی: عدم پیوند خونی بین والد و فرزند ناتنی ممکن است تعارضات معمول بین والد فرزند را چند برابر کند (شرکت کننده شماره ۱: شوهر مامانم فحاشی می‌کنه، یه کاری که انجام نداده باشیم یه فحشایی بهمون می‌گه اونموقع مثلاً میبینی یهو یه سیلی بهمون بزنه. دیشب می‌خواستیم با داداشم یه کم بازی کنیم نمی‌دونم چش بود یهو سر قلیونا برداشت خواست بندازه به ما).

تعارض بین والدین همجنس: بدگویی مادر ناتنی از مادر بیولوژیک و درگیری کلامی بین مادر بیولوژیک و مادر ناتنی از جمله مواردی بود که شرکت کنندگان به آن اشاره نمودند (شرکت کننده شماره ۱۱: مامانم و زن بابام اصلاً با هم خوب نیستن. بعضی وقتا تو شهر که بهم می‌رسن شروع می‌کنن به هم بد و بیراه گفتن. حتی تو عروسی آجیم دعواشون شد).

تعارضات مربوط به وفاداری: بروز احساس گناه در پی صمیمیت با والد ناتنی موردی بود که برخی شرکت کنندگان تجربه کرده بودند (شرکت کننده شماره ۳: وقتی با بابام و زنش می ریم تفریح یا پیششون بهم خوش بگذره یهویه حسی بهم دست می ده از خودم بدم میاد، تو فکرم می گذره میگم مامانم تنهاست الان تو خونه اونوقت من اینجا خوشحالم و سریع بهش زنگ می زنم).

فقدان شبکه خویشاوندی حمایتگر: عدم دریافت حمایت عاطفی از جانب خویشاوندان بیولوژیک و ناتنی، منجر به احساس خلاء در نوجوان می شود (شرکت کننده شماره ۹: تو این چهار سال شاید دوبار مادر بزرگم بهم زنگ زده و داییم اصلاً زنگ نزده یعنی اینقدر اصلاً ناراحت میشم).

تعارض بین والد - فرزند بیولوژیک: فرایند طلاق و ازدواج مجدد والدین کیفیت تعامل نوجوان با هر دو والد را تحت تاثیر قرار می دهد و غالباً آن را تضعیف می کند (شرکت کننده شماره ۸: می گفت شما باعث شدین زنم ازم جدا بشه. خودش باعث بودا هرشب می زدش بعد انداختش گردن ما).

حضور همشیره‌های ناتنی و نیمه تنی: خرده سیستم همشیره‌های ناتنی و نیمه تنی می تواند چالش های زیادی را برای خانواده ترکیبی به همراه داشته باشد (شرکت کننده شماره ۸: زن بابام از بچه اش دفاع می کرد مثلاً غذا به اون می داد به ما غذا نمی داد ما خودمون می رفتیم از مغازه چیپس و اینا می گرفتیم می خوردیم).

راهبردهای مقابله‌ای: در مقابله با فقدان احساس دل بستگی ایمن تحت تاثیر عوامل بافتی و مداخله گر قرار دارند و به بروز مشکلات تحصیلی و روان شناختی در نوجوانان پسر دارای خانواده ترکیبی منجر می شوند. کدهای مرتبط با این راهبردها در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵. راهبردهای مقابله‌ای

طبقات اصلی	کدهای محوری	کدهای باز
	آرامانی سازی	آرامانی سازی والد غایب
	خیال پردازی	خیال پردازی در مورد بازگشت به خانواده هسته‌ای
مکانیسم‌های دفاعی	پناه بردن به گوشی/	جستجوی افراد غریبه در فضای مجازی به امید کسب امنیت عاطفی، استفاده افراطی از تلفن همراه/ بازی‌های اینترنتی
	فضای مجازی	
	گسلش هیجانی	اجتناب از برقراری رابطه، ترک خانواده‌ی ناتنی، وقت‌گذرانی افراطی با همسالان

راهنمای مقابله‌ای

آرامانی سازی: نوجوانانی که امکان زندگی با یکی از والدین بیولوژیک خود را از دست می‌دهند و از این فقدان آزار می‌بینند، ممکن است با ایده آل سازی والد غایب در ذهن خود، به دنبال کاهش این تنش روانی باشند (شرکت‌کننده شماره ۵: به تنها چیزی که فکر می‌کنم اینه که با داداشم برگردیم پیش بابام. بابامون باهامون بهتر می‌سازه. اگه پیش بابام بودیم از همه لحاظ برامون بهتر بود. خوراک، پوشاک. ولی مامانم نداشت. فکر می‌کنه چون بابام مواد صنعتی مصرف می‌کرده به ما آسیب می‌زنه ولی اصلاً اینطور نیست).

خیال پردازی: نوجوانانی که به علت طلاق والدین وارد محیط خانوادگی جدید و پرتنش شده‌اند، ممکن است با خیال پردازی در مورد بازگشت به خانواده هسته‌ای، به دنبال تسکین فشارهای روانی باشند (شرکت‌کننده شماره ۷: تو ذهنم همیشه اینه که مامانم از شوهرش جدا بشه و دوباره برگردیم با بابام زندگی کنیم).

اعتیاد به گوشی هوشمند/ فضای مجازی: اگر نیازهای عاطفی نوجوان در ارتباط با اعضای خانواده و به خصوص والدین، برآورده نشود به دنبال ارضای این نیاز در فضایی خارج از محیط واقعی می‌گردد (شرکت‌کننده شماره ۱۲: بیشتر وقتمو تو پیام‌رسان‌ها و

این گروه‌های مجازی می‌چرخم. آگه کسی رو پیدا کردم که از حرف زدن باهاش حالم بهتر میشه دیگه رابطه رو ادامه می‌دیم، با بعضیاش قرار ملاقات می‌ذارم. دختر و پسر بودنش فرقی نداره فقط برام مهمه حالم باهاش بهتر بشه)

برش هیجانی: به حفظ فاصله عاطفی از دیگران جهت فرونشاندن اضطراب گفته می‌شود (شرکت کننده شماره ۱۱: اصلاً رابطه خوبی با بابام ندارم. یعنی از اول هم رابطه خوبی باهاش نداشتم. اصلاً با هم حرف نمی‌زنیم تا جایی که میشه اصلاً حرف نمی‌زنم. با نامادریم هم ترجیح می‌دادم اصلاً ارتباط نگیرم. ترجیح می‌دادم اصلاً بهشون نزدیک نشم. اینطور خودم راحت‌ترم).

پیامدها: نتیجه‌ی راهبردهای اتخاذ شده در مواجهه با فقدان دلبستگی ایمن، مشکلات تحصیلی و روان‌شناختی است. کدهای مرتبط با این پیامدها در جدول ۶ ارائه شده است.

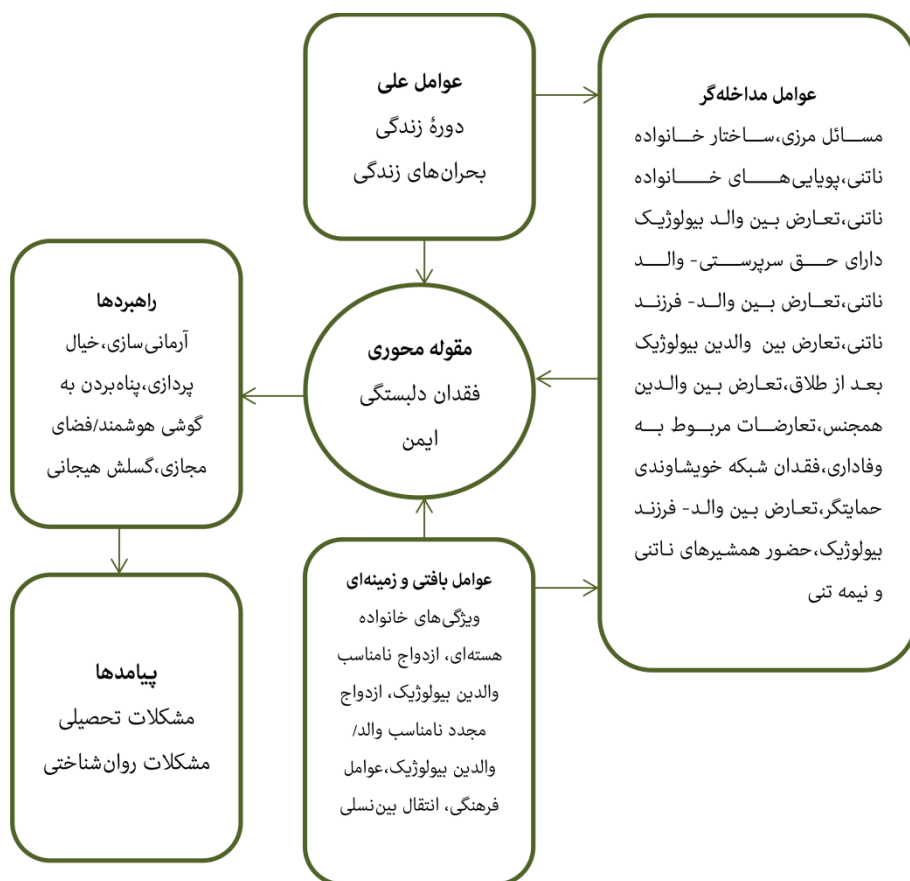
جدول ۶. پیامدها

طبقه اصلی	کدهای محوری	کدهای باز
	مشکلات تحصیلی	افت/عقب ماندگی تحصیلی، عدم انگیزه تحصیلی، ترک تحصیل
	مشکلات روان‌شناختی	اضطراب رهاشدن، اختلال خواب، عدم تمرکز، احساس تنهایی، ترس از آینده، احساس انتقام جویی، خشم نسبت به والد بیولوژیک/ناتنی، رفتارهای پرخاشگرانه، احساس بی‌اهمیت شمرده شدن، اضطراب از فروپاشی خانواده‌ی ناتنی، احساس اضافی بودن، احساس عدم تعلق به خانواده ناتنی، اضطراب/استرس، افسردگی، احساس بی‌پناهی، احساس گناه در قبال تنهایی مادر، سرکوب احساسات، لکنت زبان، ناخن جویدن
پیامدها		

مشکلات تحصیلی: نوجوانانی که پس از تجربه طلاق والدین وارد محیط خانواده ناتنی می شوند با مشکلات متعددی مواجه می شوند. این مشکلات به شکل مستقیم یا غیر مستقیم بر کیفیت تحصیل آنها تأثیر منفی خواهد گذاشت (شرکت کننده شماره ۹: دو سال نرفتم مدرسه، مامان و بابام که طلاق گرفتن، بعدش که بابام دیگه زن گرفت ما رو برد پیش خودش خوزستان. یه سالش وسط سال بود و دیگه هیچ مدرسه ای ثبت نام نکردن. یه سال دیگه هم اونقدر درگیری تو خونه بود که کلاً هیچکدوممون به فکر مدرسه رفتن نبودیم. این دو سالی که از مدرسه عقب افتادم، باعث شده دیگه درس نخونم. من الان زیاد درس نمی خونم).

مشکلات روان شناختی: تجربه استرس های ناشی از فرایند طلاق والدین و زندگی در خانواده ناتنی، می تواند منجر به بروز طیف وسیعی از مشکلات روان شناختی در نوجوانان شود (شرکت کننده شماره ۸: افسرده شدم. با کسی نمی گردهم. دوستانم می گن بیا بریم بیرون نمی رم می خوابم ولی با گوشی بازی می کنم. ما چند سال بود کلاً از خونه بیرون نرفتیم شهر غریب بود).

در این پژوهش با مبنا قرار دادن مقوله ی «فقدان دل بستگی ایمن» به عنوان مقوله ی محوری می توان نحوه ی اثرگذاری سایر مقوله ها بر ناسازگاری نوجوانان دارای خانواده ی ترکیبی را در قالب یک الگوی مفهومی درک نمود. الگوی مفهومی عوامل مؤثر بر ناسازگاری نوجوانان دارای خانواده ترکیبی در نمودار شماره ۱، به نمایش گذاشته شده است.



نمودار ۱. الگوی مفهومی عوامل مؤثر بر ناسازگاری نوجوانان پسر در خانواده‌ی ترکیبی

بحث و نتیجه‌گیری

طبق نتایج به دست آمده مفاهیم و مقوله‌های عوامل تأثیرگذار بر ناسازگاری نوجوانان دارای خانواده ترکیبی در شش گروه طبقه‌بندی شد: فراز و نشیب‌های زندگی، شرایط فرهنگی و پیشینه، ویژگی‌های خانواده ناتنی، کیفیت روابط بین فردی، مکانیسم‌های دفاعی و پیامدها. در ادامه جهت ارائه‌ی الگوی مفهومی عوامل مؤثر بر ناسازگاری نوجوانان دارای خانواده ترکیبی، لازم بود تمامی یافته‌های پژوهش در یک کل واحد کنار هم قرار گیرند زیرا هیچ‌یک از مقوله‌ها و مفاهیم به تنهایی منجر به درک کاملی درباره‌ی

این عوامل نمی‌شد. نتیجه این کار برجسته‌شدن مقوله‌ی «فقدان دل‌بستگی ایمن» به عنوان مقوله‌ی محوری بود. دلیل انتخاب «فقدان دل‌بستگی ایمن» به عنوان مقوله‌ی محوری این بود که بر تمام رفتارها، احساسات و افکار نوجوانان دارای خانواده ترکیبی اثرگذار بود و حضور آن را می‌شد در اکثر مشکلاتی که نوجوانان در این ساختار خانوادگی تجربه می‌کنند پیدا کرد. تغییرات ساختار خانوادگی، می‌تواند هم تروماتیک و هم استرس‌زا باشد و نوجوانان را در معرض خطر ابتلا به مشکلات تحصیلی، اجتماعی، عاطفی و رفتاری قرار دهد. از دیدگاه نظریه‌ی دل‌بستگی، نوجوانان بواسطه‌ی تغییرات شناختی در دوره‌ی نوجوانی، نظام دل‌بستگی پیچیده‌تری دارند و تهدید به ترک شدن و جدایی‌های مکرر، موجب تشدید احساس بی‌اعتمادی و سوءظن عمیق نسبت به در دسترس بودن و پاسخگو بودن مراقبین و یا مظاهر دل‌بستگی نسبت به نیازهای دل‌بستگی‌شان می‌شود (جانسون و ویفن^۱، ۲۰۰۳؛ ترجمه بهرامی و همکاران، ۱۳۹۸). والدین بیولوژیک، ناتنی و خویشاوندان بیولوژیک، ناتنی به عنوان مراقبین و مظاهر دل‌بستگی نوجوانان دارای خانواده‌های ترکیبی محسوب می‌شوند. عدم احساس امنیت نوجوان در کنار این مراقبین و عدم پاسخگو و در دسترس بودن آنها نسبت به نیازهای دل‌بستگی نوجوان موجب فقدان دل‌بستگی امن در نوجوان می‌شود. در ادبیات پژوهشی نیز یافته‌های بسیاری از مطالعات بر این نکته تاکید کرده‌اند که فرزندان خانواده‌های ناتنی در مقایسه با خانواده‌های هسته‌ای اعتماد بین فردی پایین‌تر و احساس بیگانگی بیشتری نسبت به والدین خود دارند (یافته‌های پژوهش تای - کارپاس، کومینو و یارنوز - یابن^۲، ۲۰۲۳)، فقدان دل‌بستگی ایمن بین نوجوان و مراقبین اصلی از جمله والد ناتنی موجب کاهش عزت نفس در نوجوان می‌گردد (یافته‌های پژوهش گاجنیا، کامونیو و چیروما، ۲۰۲۱)، و آنچه موجب تاب‌آوری و سازگاری فرزندان با طلاق و ازدواج مجدد والدین می‌شود در دسترس و پاسخگو بودن مراقبین اصلی است (یافته‌های پژوهش فیبر

1. Johnson, & Whiffen

2. Tay-Karapas, Comino, & Yárnoz-Yaben, & et al

و ویتن بورن^۱، ۲۰۱۰). بنابراین دل بستگی ایمن بین والد - فرزند موجب افزایش بهزیستی نوجوانان در مواجهه با چالش های ناشی از تغییرات ساختاری خانواده می شود (یافته های پژوهش تای - کارپاس، گازمن - گنزالز، گومز و همکاران^۲، ۲۰۲۴).

همچنین بر اساس یافته ها، طبقه ی فراز و نشیب های زندگی متشکل از مقوله های دوره ی زندگی و بحران های زندگی، تحت عنوان عوامل علی در الگوی مفهومی عوامل زمینه ساز ناسازگاری نوجوانان دارای خانواده ترکیبی، با تأثیر بر فقدان دلبستگی ایمن، سازگاری نوجوانان دارای خانواده ی ترکیبی را تحت تأثیر قرار می دهد. پژوهش های گذشته از جمله مطالعه سوئینی^۳ (۲۰۱۰)، نشان داد فرزندی که در سنین بالاتر وارد خانواده های ترکیبی می شوند نسبت به نوجوانان، استرس کمتری را تجربه می کنند. آماتو (۲۰۱۰)، و سوئینی (۲۰۱۰)، دریافتند اگرچه بسیاری از نوجوانانی که تغییرات خانوادگی را تجربه می کنند به مرور به سازگاری می رسند اما نوجوانان خانواده های ترکیبی تا سنین بالاتر همچنان درگیر مشکلات ناشی از تغییرات خانوادگی هستند. نتایج یافته های شافر، جنسن و هولمز^۴ (۲۰۱۷)، جنسن و هریس^۵ (۲۰۱۷)، کینگ، بوید و پرگ (۲۰۱۸)، پارک و لی^۶ (۲۰۲۰)، یانگ و جیانگ^۷ (۲۰۲۳)، یانگ، سان و تانگ^۸ (۲۰۲۳)، ونودیوا و سیاکاروفاز^۹ (۲۰۲۴)، نیز نشان دادند که نوجوانان از بحران های زندگی و تغییرات ساختاری خانواده همچون طلاق، ازدواج مجدد والد یا والدین و زندگی در خانواده ی ناتنی آسیب می بینند. چالش های رشدی ذاتی دوره ی نوجوانی، همراه با پیچیدگی های طلاق و ازدواج مجدد و تشدید پریشانی ناشی از عدم درک فرهنگی از این مسائل،

1. Faber, & Wittenborn

2. Tay-Karapas, Guzman-Gonzalez, Gomez, & et al

3. Sweeney

4. Shafer, Jensen, & Holmes

5. Jensen, & Harris

6. Park, & Lee

7. Yang, & Jiang

8. Yang, Sun, & Tang

9. Wanudiya, & Syakarofath

نوجوان را در یک خانواده‌ی ناتنی در معرض خطر قرار می‌دهد (آرنوت، فرام، استول و همکاران^۱، ۲۰۰۰). جدایی والدین، غالباً بخشی از زنجیره‌ی حوادث و تحولات زندگی برای کودکان و نوجوانان محسوب می‌شود و آن‌ها را با انبوهی از تغییرات بالقوه استرس‌زا در مورد مدرسه، محله، شرایط مالی، سلامت روانی والدین، نحوه‌ی ارتباط با خانواده‌ی گسترده (از جمله پدر بزرگ و مادر بزرگ) و ترکیب جدید خانواده از جمله همشیره‌های ناتنی و والدین ناتنی درگیر می‌کند (تامپسون و آماتو^۲، ۱۹۹۹). دیدگاه بی‌ثباتی می‌گوید تغییرات متعددی که به واسطه تغییرات ساختاری خانواده توسط فرزندان تجربه می‌شود، منجر به اختلال در عملکرد شناختی و تحصیلی، درونی‌سازی و برونی‌سازی رفتارهای مشکل‌ساز و کاهش روابط صمیمانه با والدین و سایر اعضای خانواده می‌شود (گانونگ و گلמן، ۲۰۱۷).

یافته‌های این پژوهش نشان داد ویژگی‌های خانواده هسته‌ای، ازدواج نامناسب والدین بیولوژیک، ازدواج مجدد نامناسب والد/ والدین بیولوژیک، عوامل فرهنگی و انتقال بین‌نسلی از جمله عوامل زمینه‌ساز الگوی مفهومی عوامل موثر بر ناسازگاری نوجوانان پسر دارای خانواده‌ی ترکیبی هستند که با تأثیر بر شرایط علی، مداخله‌گر و راهبردهای اتخاذشده در مواجهه با فقدان دلبستگی ایمن، ناسازگاری نوجوانان پسر در خانواده ترکیبی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این یافته با یافته‌های لیو و هی^۳ (۲۰۱۹)، همسو است که دریافتند افرادی که حاصل خانواده‌های طلاق هستند، به احتمال بیشتری طلاق می‌گیرند و ازدواج مجدد پدر بعد از جدایی، نرخ طلاق در فرزندان را بیشتر می‌کند. حیدری، سودانی، رجبی و همکاران (۱۴۰۲)، نیز در پژوهشی با هدف بررسی انتخاب همسر در فرزندان طلاق، نشان دادند تجارب منفی فرزندان طلاق، منجر به انتخاب اشتباه یا ناسازگاری و مشکلات سلامت روان در آن‌ها می‌شود. فرزندان یک

1. Arnaut, Fromme, Stoll, & et al

2. Thompson, & Amato

3. Liu, & He

خانواده معمولاً وارث زندگی هستند که خودشان سهمی در شکل‌گیری آن نداشته‌اند و مدت‌ها قبل از تولد و شاید از نسل‌ها پیش برای شان به ارث گذاشته شده است. برخی شرکت‌کنندگان معتقد بودند طلاق و به دنبال آن، ازدواج مجدد والد یا والدین‌شان تحت تأثیر طلاق و ازدواج مجدد پدر بزرگ و مادر بزرگ‌شان رخ داده است. از هم‌پاشیدگی خانواده هسته‌ای، همچنین مسبوق به مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و منازعات است. سولومون^۱ (۲۰۱۳)، برای اشاره به ابعاد خانواده هسته‌ای از نظر نوجوانان خانواده‌های از هم‌پاشیده به موارد مشابهی از جمله نزاع، خشونت کلامی و فیزیکی، خیانت به همسر، خشونت و دروغ‌گویی اشاره می‌کند. تغییرات ساختاری خانواده فرایندی است که در طول زمان رخ می‌دهد. در واقع زوج‌ها معمولاً مدت‌ها قبل از طلاق رسمی، از هم جدا شده‌اند یا درگیر تعارض و سایر مسائل بین فردی می‌شوند (شافر، جنسن و هولمز، ۲۰۱۷).

یافته‌های این پژوهش همچنین نشان داد ویژگی‌های خانواده ناتنی از جمله؛ ساختار خانواده، مسائل مرزی و پویایی‌های خانواده، از عوامل مداخله‌گر در بروز ناسازگاری در نوجوانان است. یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش بریزویت، ولدرون، آلن و همکاران^۲ (۲۰۱۸)، همسو است که در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که تغییرات ایجادشده در آداب و رسوم خانوادگی بواسطه تغییر ساختار خانواده هسته‌ای به ناتنی، موجب دوسوگرایی عاطفی و ارتباطی در فرزندان و همچنین والدین ناتنی می‌شود. یافته‌های این پژوهش با مطالعه داده‌بنیاد لندن، گانونگ، سنر^۳ (۲۰۲۲)، نیز همسو است. در این مطالعه که در مورد تعارض بین همشیره‌های ناتنی انجام شد، پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که یکی از منابع تعارض در خانواده‌های ناتنی نقض حریم خصوصی اعضا است. خانواده‌های ترکیبی، ساختاری متفاوت از خانواده‌های هسته‌ای دارند و همین

1. Solomon

2. Braithwaite, Waldron, Allen, & et al

3. Landon, Ganong, & Sanner

تفاوت‌ها، چالش‌های زیادی را برای اعضای این ساختار خانوادگی ایجاد می‌کند (لین و سلتزر^۱، ۲۰۲۴). خانواده‌ی ناتنی حاصل ترکیبی از افرادی با چرخه زندگی فردی، زناشویی و خانوادگی متفاوت است. یکی از همسران ممکن است با فرزندان از ازدواج قبلی وارد خانواده ناتنی شود، در حالی که همسر دیگر ممکن است هرگز ازدواج نکرده باشد و فرزندی نداشته باشد. با توجه به پیشینه‌های متفاوت بزرگسالان و فرزندان در خانواده‌های ناتنی، انتظارات و باورهای متفاوتی در مورد عملکرد خانواده وجود خواهد داشت (دلونگیس و زویکر^۲، ۲۰۱۷). گرد هم آوردن دو فرهنگ خانوادگی متفاوت و افرادی در مراحل مختلف چرخه زندگی خانواده، احتمال وجود علایق و ارزش‌های مشترک و اهداف جمعی را کاهش می‌دهد. ابهام در نقش و مرز تهدیدی برای احساس وحدت و توافق در ساختار خانواده است (بریزویت، ولدرون، آلن و همکاران^۳، ۲۰۱۸). نوجوانان خانواده‌های ترکیبی، والدی خارج از مرز خانواده‌ی ترکیبی دارند که در فواصل زمانی مشخص یا نامشخصی با او ملاقات می‌کنند. حضور در دو خانواده‌ی متفاوت، سازگاری با انواع سبک‌های زندگی، قوانین و نقش‌های متفاوت را می‌طلبد و ممکن است نوجوان سردرگم شود. از سوی دیگر، رفت و آمد نوجوان بین دو خانواده، ممکن است باعث شود سایر اعضای خانواده ناتنی، مرزهای خانواده را آسیب‌پذیر ببینند و در پی تلاش برای حفظ مرزهای خانواده، با نوجوان دچار تعارض شوند. باس و گرینبرگ^۴ (۱۹۸۴)، در این باره می‌گویند؛ خانواده نمی‌داند چه کسی در سیستم است و چه کسی خارج از آن است. خانواده ممکن است عضوی را که از نظر جسمی غایب است به عنوان حاضر روان‌شناختی و یا عضوی را که از لحاظ جسمی حاضر است به عنوان غایب روان‌شناختی درک کند. در هر صورت، مرز خانواده مبهم است. پویایی‌های خانواده‌ی ناتنی از جمله تغییر محل زندگی به علت ازدواج مجدد والد و

1. Lin, & Seltzer

2. DeLongis, & Zwicker

3. Braithwaite, Waldron, Allen, & et al

4. Boss, & Greenberg

تولد همشیر نیمه تنی نیز از جمله ویژگی‌های خانوادگی ناتنی هستند که بحران‌های زندگی گذشته از جمله طلاق والدین و احساس ناامنی را در نوجوان تشدید می‌کنند و در بروز ناسازگاری دخیل هستند. تورونن^۱ (۲۰۱۴)، در پژوهش خود با هدف بررسی نتایج تحصیلی نوجوانان دارای همشیرهای تنی و نیمه‌تنی به این نتیجه رسید که تولد همشیر نیمه تنی به فرزندان بزرگتر آسیب می‌زند زیرا همشیر نیمه‌تنی با هر دو والد بیولوژیک پیوند خونی دارد و همین امر موجب توجه بیشتر والدین به وی می‌شود. همچنین نوجوانانی که هم از جانب پدر بیولوژیک و هم از جانب مادر بیولوژیک دارای همشیر نیمه تنی هستند در مقایسه با دیگران نتایج تحصیلی ضعیف‌تری کسب می‌کنند. تولد نوزادی که پیوند خونی کاملی با فرزند ناتنی ندارد و از طرف دیگر والد بیولوژیک و ناتنی، وقت و انرژی بیشتری برایش صرف می‌کنند موجب می‌شود نوزاد، رقیبی پردردسر محسوب شود که ذهن و قلب والدین را تسخیر کرده است.

یافته‌ها همچنین نشان داد کیفیت روابط بین فردی اعضای خانواده ناتنی با یکدیگر و با افراد خارج از خانواده در بروز ناسازگاری در نوجوانان دخیل است. این یافته‌ها با ادبیات پژوهشی در حوزه‌ی روابط بین فردی در خانواده‌های ترکیبی همسو است؛ فنگ و زارتلر (۲۰۲۴)، کیکک و نازلی^۲ (۲۰۲۳)، جنسن و گانونگ (۲۰۲۳)، کینگ، پرگ و لیندستروم (۲۰۱۹)، پاتریا، لفیتا و سپتینینگسی^۳ (۲۰۲۰)، کینگ، بوید، سورسن^۴ (۲۰۱۵) و استرو و استرو^۵ (۲۰۰۸)، در مطالعات خود دریافتند کیفیت روابط نوجوانان دارای خانواده ترکیبی با والد دارای حق سرپرستی، والد فاقد حق سرپرستی، والد ناتنی، همشیرهای نیمه تنی و خانواده‌ی گسترده، از جمله عوامل اثرگذار بر میزان سازگاری فرزندان خانواده‌های مطلقه و ناتنی است و نوجوانان دارای خانواده‌ی ناتنی، در مورد شیوه‌ی

1. Turunen

2. Çiçek & Nazli

3. Patria, Lafita, & Septiningsih

4. King, Boyd & Thorsen

5. Strow & Strow

ارتباط با والدین ناتنی، همشیره‌های ناتنی و والدین بیولوژیک دچار سردرگمی هستند. گانونگ و گلמן^۱(۲۰۱۷)، نیز دریافتند فرزندان ناتنی اغلب دچار تعارضات وفاداری می‌شوند، زیرا نگرانند رابطه مثبت با والد ناتنی، رابطه با والد فاقد حق سرپرستی را تهدید کند. گرین‌وود^۱(۲۰۱۷)، دریافت حسادت در رابطه بین والدین هم‌جنس، مانع همکاری بین دو والد بیولوژیک و ناتنی در امر تربیت فرزند می‌شود و پیامدهای بالقوه مضری برای خانواده دارد. طبق نظریه سیستم‌های خانواده، هر رابطه دوتایی درون خانواده، سهم عمده‌ای در رشد افراد دارد (مینوچین^۲، ۱۹۸۵). خانواده‌های ناتنی با روابط بین فردی پیچیده‌ای مشخص می‌شوند (گانونگ و گلמן، ۲۰۱۷)، و از آن جایی که بعد از تجربه‌ی فقدان‌ها و تغییرات زیاد شکل می‌گیرند، اعضای خانواده تجربیات، دیدگاه‌ها، انتظارات و معیارهای مربوط به خانواده‌ی قبلی را به خانواده‌ی تازه شکل گرفته وارد می‌کنند. یکی از دشوارترین وظایفی که اعضا در خانواده‌های بازسازی شده با آن روبرو هستند، برقراری رابطه باثبات و پایدار است. اعضا باید خانواده‌ای را از نو بسازند که اغلب شامل شبکه گسترده‌ای از همسران سابق، فرزندان ناتنی، و پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها است. وجود چنین شبکه گسترده‌ای، موجب سردرگمی و ابهام نقش‌ها و مرزها در خانواده می‌شود. از سوی دیگر به علت تجربه فقدان‌هایی که اعضا داشته‌اند، احساساتی همچون خشم، اضطراب، رهاشدگی، درماندگی و حسادت، روابط بین فردی آن‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد و موجب بروز تعارضات شدید بین افراد می‌شود.

یافته‌های این پژوهش نشان داد نوجوانان دارای خانواده‌ی ترکیبی در مواجهه با فقدان دل‌بستگی ایمن از مکانیسم‌های دفاعی همچون آرمانی‌سازی والد غایب، خیال‌پردازی در مورد بازگشت به خانواده‌ی هسته‌ای، پناه‌بردن به گوشه‌ی هوشمند/ فضای مجازی و گسلش هیجانی استفاده می‌کنند. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های پژوهش

نئوبائور^۱ (۱۹۸۹)، همسو است که نشان داد در نتیجه تغییرات ساختاری خانواده و فقدان یکی از والدین، فرزندان، والد غایب را آرمانی سازی می کنند و آرزوی والدی را دارند که در دسترس نیست؛ فرزند خیال می کند که اگر آن والد حضور داشت، آرزوهایش را برآورده می کرد و به او در غلبه بر مشکلات کمک می کرد. بیگام و خان^۲ (۲۰۲۴)، در مطالعه ای با عنوان سوء رفتار عاطفی در دوران کودکی و خیال پردازی ناسازگارانه در نوجوانان؛ به این نتیجه رسیدند که نوجوانانی که در دوران کودکی از سوی والدین مورد بی توجهی قرار گرفته اند و نیازهای عاطفی شان برآورده نشده است، در دوران نوجوانی گرایش به خیال پردازی ناسازگارانه دارند. کیم، کواک و کیم^۳ (۲۰۲۱)، در مطالعه ای با عنوان رابطه ی بین استرس و اعتیاد به گوشی هوشمند بین نوجوانان به این نتیجه رسیدند که سطوح بالای استرس موجب افزایش اعتیاد به گوشی هوشمند بین نوجوانان می شود. یافته های این پژوهش با یافته های پورشهریار، بهارشانجانی و دین دوست (۱۴۰۲)، نیز همسو است که در مطالعه ای با عنوان تجربه ی برش هیجانی از منظر فرزندان دختر بزرگسال: یک مطالعه ی کیفی، به این نتیجه رسیدند که از جمله عوامل موثر در تصمیم به برش هیجانی از نظر فرزندان دختر، مشکلات اساسی خانواده و آسیب زا دانستن حضور در خانواده است. زمانی که نوجوان در نتیجه ی طلاق و ازدواج مجدد والدین، احساس اضطراب، استرس و رها شدن را تجربه می کند، حس هویتش به خاطر جدا شدن از موضوعات اصلی عشق یعنی والدین، به شدت به خطر می افتد لذا ممکن است برای فرار از این شرایط دشوار به مکانیسم های روان شناختی ناسازگاری متوسل شود تا خودپنداره آشفته اش را سازمان دهد و این روش برای نوجوان به یک عادت رفتاری مخرب تبدیل می شود.

یافته های این پژوهش نشان داد، مشکلات تحصیلی و روان شناختی از جمله

1. Neubauer

2. Begum & Khan

3. Kim, Kwak, & Kim

پیامدهایی است که نوجوانان دارای خانواده‌ی ترکیبی درگیر آن می‌شوند. مطالعات قبلی (از جمله کینگ، بوید و پرگ، ۲۰۱۸؛ پارک و لی، ۲۰۲۰؛ گز، ۲۰۲۲؛ ون دن برگ، کالمیجن، لئوپولد، ۲۰۲۱؛ یانگ و جیانگ، ۲۰۲۳؛ ونودیا و سیاکاروفاز، ۲۰۲۴) نشان دادند نوجوانان در خانواده‌های ناتنی در مقایسه با نوجوانان خانواده‌های هسته‌ای بیشتر در معرض خطر مشکلات روان‌شناختی و رفتارهای مخرب قرار دارند. همچنین مطالعات قبلی (از جمله وو تک‌یویچ و هولتزمن، ۲۰۱۱؛ گانونگ و گلن، ۲۰۱۷؛ کینگ، پرگ و لیندستروم، ۲۰۲۰)، همگی دریافتند که زندگی کردن در خانواده ناتنی، بر نتایج تحصیلی فرزندان اثرات منفی دارد. نوجوانان خانواده‌های ترکیبی نه تنها از هم پاشیدگی خانواده‌ی هسته‌ای و فقدان یکی از والدین خود را تجربه کرده‌اند بلکه باید با شخصیت‌های جدیدی از جمله؛ والد ناتنی و همشیرهای جدید نیز برخورد کنند. این به معنای مواجه شدن با تغییراتی عظیم در خانواده و زندگی نوجوانان در طول یک دوره‌ی رشدی پرتلاطم و هیجانی است (گانونگ و گلن، ۲۰۱۷). فضای آشفته خانواده هسته‌ای، طلاق و ازدواج مجدد والدین، منجر به کاهش مشارکت والدین در امور تحصیلی فرزندان و بی‌توجهی نسبت به مشکلات تحصیلی آن‌ها می‌شود. محققانی که به بررسی تأثیرات خانواده‌ی ناتنی بر پیشرفت تحصیلی فرزندان ناتنی پرداخته‌اند (از جمله لونگ، ۱۹۹۵ و پانگ، ۱۹۹۷)، به‌طور کلی گزارش داده‌اند که والدین ناتنی و والدینی که مجدداً ازدواج کرده‌اند، نسبت به والدین خانواده‌های هسته‌ای، زمان کمتری را صرف کارهای مدرسه و درگیر شدن در فعالیت‌های مربوط به مدرسه‌ی فرزندان ناتنی می‌کنند. از سوی دیگر، تجربه استرس‌های ناشی از شرایط خانواده و تغییرات ساختاری آن، انرژی روانی فرزندان را کاهش می‌دهد و منجر به ضعف در یادگیری می‌گردد.

در مجموع با توجه به نتایج پژوهش حاضر می‌توان گفت آنچه نوجوانان را در

1. Gath
2. Wojtkiewicz & Holtzman
3. Leung
4. Pong

خانواده‌های ترکیبی مستعد رفتارهای ناسازگارانه می‌کند صرفاً شرایط خانواده ترکیبی نیست. بلکه این قبیل از نوجوانان با پیشینه‌ای از وقایع استرس‌زا که ناشی از مشکلات موجود در خانواده هسته‌ای و طلاق و مسائل بعد از طلاق والدین است وارد خانواده ترکیبی می‌شوند. ویژگی‌های خاص دوره نوجوانی و شرایط خانواده ترکیبی نیز به این معضلات اضافه می‌شود تا در نهایت نوجوان دچار مشکلات سازگاری گردد. نوجوانان خانواده‌های ترکیبی به علت ویژگی‌های خاص دوره نوجوانی و همچنین تجربه طلاق و بی‌ثباتی زندگی گذشته، شدیداً نیاز به احساس امنیت دارند و در صورتی که روابط بین فردی این نوجوانان از کیفیت بالایی برخوردار نباشد، آسیب‌های روان‌شناختی زیادی را تجربه می‌کنند. شرکت‌کنندگانی که حداقل یک منبع دلبستگی امن در زندگی داشتند، طی فرایند مصاحبه رفتارهای ناسازگارانه کمتری را گزارش می‌کردند. و در صورتی که این منبع دلبستگی، والد ناتنی بود، میزان ناسازگاری به مراتب کمتر گزارش می‌شد. همچنین از آن جایی که خانواده گسترده همچنان در کشور ایران و اغلب استان‌ها از جمله استان چهارمحال و بختیاری، یکی از اشکال خانواده در کنار خانواده هسته‌ای است در نتایج پژوهش می‌بینیم که کیفیت روابط نوجوان با اعضای خانواده گسترده نیز حائز اهمیت و بر احساس امنیت وی اثرگذار است. انجام پژوهشی که به طور ویژه ارتباط بین کیفیت رابطه نوجوان با هریک از اعضای بیولوژیک و غیربیولوژیک خانواده‌های هسته‌ای و گسترده را با سلامت روان نوجوان مورد بررسی قرار دهد، می‌تواند به روشن‌تر شدن این مطلب کمک کند. در این پژوهش، نمونه به صورت هدفمند از بین دانش‌آموزان پسر سه منطقه آموزشی استان چهارمحال و بختیاری انتخاب شد، بنابراین تعمیم یافته‌ها باید با احتیاط انجام گیرد. همچنین نوجوانان از خانواده‌های ترکیبی مورد مصاحبه قرار گرفتند که پس از طلاق والدین، وارد خانواده ترکیبی شده بودند بنابراین تعمیم نتایج در مورد نوجوانان خانواده‌های ترکیبی که پس از فوت یکی از والدین تشکیل شده است باید با احتیاط انجام گیرد.

ملاحظات اخلاقی: تمامی شرکت کنندگان برای شرکت در این پژوهش، رضایت خود را اعلام نمودند و اطمینان لازم در مورد محرمانگی اطلاعات به آن‌ها داده شد. **سهم نویسندگان:** همه نویسندگان در فرایند پژوهش، مشارکت داشتند. **حمایت مالی:** این پژوهش تحت حمایت مالی هیچ شخص حقیقی یا حقوقی قرار نگرفت.

تعارض منافع: هیچ گونه تعارض منافع در این پژوهش وجود ندارد. **سپاسگزاری:** در پایان لازم است از همکاری اداره کل آموزش و پرورش استان چهارمحال و بختیاری و همچنین شرکت کنندگان نوجوانی که ما را در تجربه خود سهم کردند، قدردانی کنیم.

منابع

- پورشهریار، حسین؛ بهارشانجانی، ثمین؛ دین دوست، مرضیه (۱۴۰۲). تجربه برش هیجانی از منظر فرزندان دختر بزرگسال: یک مطالعه کیفی. فصلنامه روان شناسی کاربردی. <http://dx.doi.org/10.48308/apsy.2024.234153.1592>
- جانسون، سوزان؛ ویفن، والری (۲۰۰۳). فرایندهای دلبستگی در زوج درمانی و خانواده درمانی. ترجمه بهرامی و همکاران (۱۳۹۸). تهران: نشر دانژه.
- حیدری سودجانی، زینب؛ غلامزاده جفره، مریم (۱۴۰۲). رویکرد پدیدارشناسانه‌ی چالش‌های نوجوانان از ازدواج مجدد والدین‌شان. دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ۲۴(۲)، ۵۷-۶۸.
- <http://dx.doi.org/10.30486/JSRP.2021.1938957.3143>
- حیدری، رویا؛ سودانی، منصور؛ رجبی، غلامرضا؛ خجسته مهر، رضا (۱۴۰۲). بررسی تجربه انتخاب همسر در فرزندان طلاق: یک پژوهش کیفی. فصلنامه علمی پژوهشهای مشاوره، ۸۷(۲۲)، ۸۷-۱۱۳.
- <http://dx.doi.org/10.18502/qjcr.v22i87.13986>
- سازمان ثبت احوال کشور (۱۴۰۳)، آمار ثبتی رویدادهای حیاتی نه ماهه سال ۱۴۰۳. <https://www.sabteahval.ir>
- طباطبایی، فهیمه (بهمن ۱۴۰۰). افزایش ۱۷ درصدی ازدواج مجدد در ایران، روزنامه همشهری، ص ۹.
- عظیمی، داریوش؛ قمری گیوی، حسین؛ رضایی شریف، علی؛ شیخ‌الاسلامی، علی (۱۴۰۲). طراحی الگوی توانمندسازی مشاوران مدرسه: یک مطالعه کیفی. فصلنامه علمی پژوهشهای مشاوره، ۸۵(۲۲)، ۵۵-۶۰.
- <http://dx.doi.org/10.18502/qjcr.v22i85.12535>
- یوسفی، محسن؛ کرابی، امین؛ سودانی، منصور (۱۴۰۱). مطالعه کیفی سازگاری نوجوانان با ازدواج مجدد مادران. فصلنامه خانواده و بهداشت، ۱۲(۳)، ۹۳-۱۰۳.
- <https://dorl.net/dor/20.1001.1.23223065.1401.12.3.8.2>

- Aasen Nilsen, S., Breivik, K., Wold, B., & Bøe, T. (2018). Divorce and family structure in Norway: Associations with adolescent mental health. *Journal of Divorce & Remarriage*, 59 (3), 175-194.
<https://doi.org/10.1080/10502556.2017.1402655>
- Amato, P. R. (2010). Research on divorce: Continuing trends and new developments. *Journal of marriage and family*, 72(3), 650-666.
<https://doi.org/10.1111/j.1741-3737.2010.00723.x>
- Arnaut, G. L., Fromme, D. K., Stoll, B. M., & Felker, J. A. (2000). A qualitative analysis of stepfamilies: The biological parent. *Journal of Divorce & Remarriage*, 33(3-4), 111-128.
https://doi.org/10.1300/J087v33n03_07
- Begum, A., & Khan, M. J. (2024). Childhood Emotional Maltreatment and Maladaptive Daydreaming Among Adolescents: Mediating Role of Emotional Processing. *Pakistan Journal of Psychological Research*, 39(1), 123-137.
<https://doi.org/10.33824/PJPR.2024.39.1.0>
- Boss, P., & Greenberg, J. (1984). Family boundary ambiguity: A new variable in family stress theory. *Family Process*, 23(4), 535-546.
<https://doi.org/10.1111/j.1545-5300.1984.00535.x>
- Braithwaite, D. O., Waldron, V. R., Allen, J., Oliver, B., Bergquist, G., Storck, K & Tschampl-Diesing, C. (2018). "Feeling warmth and close to her": Communication and resilience reflected in turning points in positive adult stepchild–stepparent relationships. *Journal of Family Communication*, 18(2), 92-109.
<https://doi.org/10.1080/15267431.2017.1415902>
- Çiçek, E., & Nazlı, S. (2023). Examination of the factors affecting the adjustment of the children of divorced families. *Turkish Psychological Counseling and Guidance Journal*, 13(68), 122-145. <https://doi.org/10.17066/tpdrd.1218605ec>
- Corbin, J., & Strauss, A. (2015). Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounding theory (4th ed.). Sage, Thousand Oaks CA
- Crosbie-Burnett, M. (1989). Application of family stress theory to remarriage: A model for assessing and helping stepfamilies. *Family Relations*, 38(3), 323-331.
<https://doi.org/10.2307/585060>
- DeLongis, A., & Zwicker, A. (2017). Marital satisfaction and divorce in couples in stepfamilies. *Current opinion in psychology*, 13, 158-161.
<http://dx.doi.org/10.1016/j.copsyc.2016.11.003>
- Faber, A. J., & Wittenborn, A. K. (2010). The role of attachment in children's adjustment to divorce and remarriage. *Journal of Family Psychotherapy*, 21(2), 89-104.
<https://doi.org/10.1080/08975353.2010.483625>
- Fang, C., & Zartler, U. (2024). Adolescents' experiences with ambiguity in postdivorce stepfamilies. *Journal of Marriage and Family*, 86(1), 111-131.
<https://doi.org/10.1111/jomf.12942>
- Favez, N., Widmer, E. D., Frascarolo, F., & Doan, M. T. (2019). Mother-stepfather co-parenting in stepfamilies as a predictor of child adjustment. *Family Process*, 58(2), 446-462.
<https://doi.org/10.1111/famp.12360>
- Gachenia, L., Kamunyu, R., & Chiroma, N. (2021). Influence Of Attachment Styles On Establishment Of Adolescents' Self Esteem Among Secondary School

- Students From Blended Families In Kiambu County. *International Journal of Education, Psychology and Counseling*, 6 (44), 176-197.
<https://doi.org/10.35631/IJEP.644014>
- Ganong, L. H., & Coleman, M. (2017). *Stepfamily relationships: Development, dynamics, and interventions* (2nd ed.). New York: Kluwer Academic/Plenum Publishers.
- Gath, E. M. (2022). Parents and Adolescents in Stepfamilies: Longitudinal Links to Physical Health, Psychological Distress, and Stress. *Journal of Child and Family Studies*, 31(1), 17-28. <https://doi.org/10.1007/s10826-021-02078-z>
- Gibbons, I., Driscoll, J., Bean, R., & Searge, B. (2024). Adolescents in Stepfamilies: An Attachment-Based Approach to Therapy. *Contemporary Family Therapy*, 1-9. <https://doi.org/10.1007/s10591-024-09697-w>
- Greenwood, S. (2017). Envy in relationships between maternal dyads. *The Family Journal*, 25(1), 48-54.
- Jensen, T. M., & Ganong, L. H. (2023). Associations between dyadic relationship quality and stepfamily functioning: A common fate modeling approach. *Family Process*, 62(2), 641-652. <https://doi.org/10.1111/famp.12803>
- Jensen, T. M., & Harris, K. M. (2017). Stepfamily relationship quality and stepchildren's depression in adolescence and adulthood. *Emerging Adulthood*, 5 (3), 191-203. <https://doi.org/10.1177/2167696816669901>
- Jensen, T. M., & Lippold, M. A. (2018). Patterns of stepfamily relationship quality and adolescents' short-term and long-term adjustment. *Journal of Family Psychology*, 32(8), 1130. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/fam0000442>
- Kim, C., Kwak, K., & Kim, Y. (2023). The relationship between stress and smartphone addiction among adolescents: the mediating effect of grit. *Current Psychology*, 42(10), 8451-8459. <https://doi.org/10.21203/rs.3.rs-159399/v1>
- King, V., Boyd, L. M., & Pragg, B. (2018). Parent-adolescent closeness, family belonging, and adolescent well-being across family structures. *Journal of family issues*, 39(7), 2007-2036. <https://doi.org/10.1177/0192513X17739048>
- King, V., Boyd, L. M., & Thorsen, M. L. (2015). Adolescents' perceptions of family belonging in stepfamilies. *Journal of Marriage and Family*, 77(3), 761-774. <https://doi.org/10.1111/jomf.12181>
- King, V., Pragg, B., & Lindstrom, R. (2020). Family relationships during adolescence and stepchildren's educational attainment in young adulthood. *Journal of Marriage and Family*, 82(2), 622-638. <https://doi.org/10.1111/jomf.12642>
- Kumar, K. (2017). The blended family life cycle. *Journal of Divorce & Remarriage*, 58(2), 110-125. <http://dx.doi.org/10.1080/10502556.2016.1268019>
- Landon, O., Ganong, L., & Sanner, C. (2022). "Stop going in my room": A grounded theory study of conflict among stepsiblings. *Family Relations*, 71(1), 256-278. <https://doi.org/10.1111/fare.12595>
- Leung, J. J. (1995). Family configurations and students' perceptions of parental support for schoolwork. *Sociological Imagination*, 32(3-4), 185-196. <http://pascal-francis.inist.fr/vibad/index.php?action=getRecordDetail&idt=3273015>
- Lin, I. F., & Seltzer, J. A. (2024). Stepfamily variation in parent-child relationship

- quality in later life. *Journal of Marriage and Family*, 86(3), 718-737.
<https://doi.org/10.1111/jomf.12946>
- Lin, Y. C., Washington-Nortey, P. M., Hill, O. W., & Serpell, Z. N. (2019). Family functioning and not family structure predicts adolescents' reasoning and math skills. *Journal of Child and Family Studies*, 28(10), 2700-2707.
<https://doi.org/10.1007/s10826-019-01450-4>
- Linder, M. S., Hagan, M. S., & Brown, J. C. (1992). The Adjustment of Children in Nondivorced, Divorced Single-Mother, and Remarried Families. *Monographs of the Society for Research in Child Development*, 57.
<https://doi.org/10.1111/j.1540-5834.1992.tb00302.x>
- Liu, B., & He, J. (2019). The Intergenerational Transmission of Divorce: Evidence from China. Available at SSRN 3509016.
<https://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3509016>
- Love, K. M., & Murdock, T. B. (2004). Attachment to parents and psychological well-being: an examination of young adult college students in intact families and stepfamilies. *Journal of Family Psychology*, 18(4), 600.
<https://psycnet.apa.org>
- Lutz, E. P., Jacobs, E. E., & Masson, R. L. (1981). Stepfamily counseling: Issues and guidelines. *The School Counselor*, 28(3), 189-194.
<https://www.jstor.org/stable/23900007>
- Minuchin, P. (1985). Families and individual development: Provocations from the field of family therapy. *Child Development*, 56, 289-302.
<https://doi.org/10.2307/1129720>
- Neubauer, P. B. (1989). Fathers as single parents. Cath, Gurwitt, and Gunsberg (Eds.), *Fathers and Their Families*, 63-75.
- Park, H., & Lee, K. S. (2020). The association of family structure with health behavior, mental health, and perceived academic achievement among adolescents: a 2018 Korean nationally representative survey. *BMC Public Health*, 20(1), 1-10.
<https://doi.org/10.1186/s12889-020-08655-z>
- Patria, A. A., Lafita, T. K., & Septiningsih, D. S. (2020). Psychological Well-Being Of Adolescents With The Remarriage Parents. *Future Psychology Interaction of human behavior, culture, and technology to create Society*, 89-97.
<http://digitallibrary.ump.ac.id/id/eprint/948>
- Pong, S.-L. (1997). Family structure, school context, and eighth-grade math and reading achievement. *Journal of Marriage and Family*, 59(3), 734-746.
<https://doi.org/10.2307/353957>
- Shafer, K., Jensen, T. M., & Holmes, E. K. (2017). Divorce stress, stepfamily stress, and depression among emerging adult stepchildren. *Journal of child and family studies*, 26(3), 851-862.
<https://doi.org/10.1007/s10826-016-0617-0>
- Solomon, A. (2013). Adolescents' adjustment to divorce and living in step-families (Doctoral dissertation).
- Strow, C. W., & Strow, B. K. (2008). Evidence that the presence of a half-sibling negatively impacts a child's personal development. *American Journal of Economics and Sociology*, 67(2), 177-206.
<https://doi.org/10.1111/j.1536-7150.2008.00567.x>

- Sweeney, M. M. (2010). Remarriage and stepfamilies: Strategic sites for family scholarship in the 21st century. *Journal of marriage and family*, 72(3), 667-684. <https://doi.org/10.1111/j.1741-3737.2010.00724.x>
- Tay-Karapas, K., Comino, P., & Yáñez-Yaben, S. (2023). Divorcio parental, apego a los padres y satisfacción con la vida en adolescentes chilenos: un estudio comparativo. *Terapia psicológica*, 41(3), 327-341. <https://doi.org/10.4067/s0718-48082023000300327>
- Tay-Karapas, K., Guzmán-González, M., Gómez, F., Comino, P., Salaberria, K., & Bahamondes, J. (2024). An attachment-based pilot program to promote adolescent adjustment to parental divorce. *Child and Adolescent Psychiatry and Mental Health*, 18(1), 1-11. <https://doi.org/10.1186/s13034-024-00729-9>
- Thompson, R. A., & Amato, P. R. (Eds.). (1999). The postdivorce family: Children, parenting, and society. Sage Publications.
- Turunen, J. (2014). Adolescent educational outcomes in blended families: Evidence from Swedish register data. *Journal of Divorce and Remarriage*, 55(7), 568-589. <https://doi.org/10.1080/10502556.2014.950897>
- Van Den Berg, L., Kalmijn, M., & Leopold, T. (2021). Stepfamily effects on early home-leaving: The role of conflict and closeness. *Journal of Marriage and Family*, 83(2), 305-321. <https://doi.org/10.1111/jomf.12700>
- Wanudiya, S., & Syakarofath, N. A. (2024). The Effect of Family Communication on Depressive Symptoms in Adolescents Who Have Step-parents. *KnE Social Sciences*, 69-81. <https://doi.org/10.18502/kss.v9i5.15164>
- Williams, K. G. (2023). Becoming an Authentic Self: A Grounded Theory of Growth-Fostering Friendships between Gay Men (Doctoral dissertation, Saybrook University).
- Wojtkiewicz, R. A., & Holtzman, M. (2011). Family structure and college graduation: Is the stepparent effect more negative than the single-parent effect? *Sociological Spectrum*, 31(4), 498-521. <https://doi.org/10.1080/02732173.2011.574048>
- Yang, Y., & Jiang, J. (2023). Influence of family structure on adolescent deviant behavior and depression: the mediation roles of parental monitoring and school connectedness. *Public Health*, 217, 1-6. <https://doi.org/10.1016/j.puhe.2023.01.013>
- Yang, F., Sun, N., Tang, W. (2023). Family structure and adolescent health: evidence from China. *Journal of child and family studies*, 32(1), 230-242. <http://dx.doi.org/10.1007/s10826-022-02418-7>
- Zeppa, A., & Norem, R. H. (2014). Stressors, manifestations of stress, and first-family/stepfamily group membership. In *The stepfamily puzzle* (pp. 3-23). Routledge.

